

دغدغه ای که باید حل شود

آموزش و پرورش و مقوله تغییر

مصطفی شافعی

آموزش و پرورش یکی از اصلی ترین گلو گاههای فرهنگی و تربیتی کشور ماحسوب می شود.از این رو باید تحولات این بخش را با حساسیت زیادی مورد آکاوی قرار داد.بدیهی است که ضعف ساختاری و مدیریتی در آموزش و پرورش ما به صورت مستقیم بر وی سایر نقاط و مقولات تأثیر می گذارد و بالعکس.قوت آموزش و پرورش ما و موقعیت در تربیت نسلمانجر به تعالی فردی و جمعی اشخاص می شود.طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توجهات زیادی در خصوص آموزش و پرورش ماننده است.واقعبت امر این است که باز نگری در سیستم آموزشی کشور با توجه به عصری که در آن قرار داریم(عصر ارتباطات) یک اصل محسوب می شود.این اصل پایا از سوی نهادهای مختلف مورد توجه قرار گرفته و عبارت دیگر اصلاح ساختار آموزش و پرورش دغدغه ای است که به صورت خود کار همه را درگیر خود می کند.و سرمایه گذاری بر وی این اصلاح ساختار برای کل کشور مفید و موثر خواهد بود.دغدغه اصلاح ساختار آموزش و پرورش مدتهاست در کشور ما وجود دارد اما هنوز راهکارها و ابزارهای آن به صورت مدون و

محسن عمرانی

نگاه خبرنگار: آموزش و پرورش در کلام مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای همواره نگاه ویژه ای نسبت به مقولات فرهنگی کشور داشته اند. رهبر معظم انقلاب همواره خواهان پویایی بخشهای فرهنگی در راستای دفع تهدیدات ضد فرهنگی غرب و تحقق یافتن پویایی فرهنگی در کشور هستند. چندی پیش شاهد بودیم که رهبر انقلاب در دیدار وزیر، معاونان و مدیران آموزش و پرورش سراسر کشور با اشاره به جایگاه و اهمیت بی بدیل آموزش و پرورش در شکل دهی رفتاری - اخلاقی و فکری افراد جامعه، تحول در نظام آموزش و پرورش کشور را نیازی اساسی و ضرورتی اجتناب ناپذیر دانستند و تأکید کردند:

”آموزش و پرورش باید برای ایجاد تحول، با استفاده از نیروهای فکری، کارآمد و زبده کشور، فلسفه نظام تعلیم و تربیت را بر اساس هویت دینی و ملی تدوین کند و نظام آموزش و پرورش را بر مبنای آن تغییر دهد. اگر کشور و ملتی خواهان عزت مادی، سعادت معنوی، برتری سیاسی، پیشرفت علمی و آبادانی است، باید به آموزش و پرورش به عنوان کاری بنیادی توجه جدی کند زیرا نیروی انسانی لازم برای تحقق این اهداف والا، محصول نظام آموزش و پرورش است.“ همان گونه که از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی برداشت می شود، جایگاه آموزش و پرورش در کشور ما جایگاهی بنیادی و محوری است و باید نسبت به این جایگاه توجه ویژه ای مبذول داشت. در سال ۱۳۸۶ نیز مقام معظم رهبری مطالباتی مهم را از آموزش و پرورش و فرهنگیان بیان نموده اند. ایشان در آن دیدار تأکید کردند:

”آموزش و پرورش باید برای ایجاد تحول، با استفاده از نیروهای فکری، کارآمد و زبده کشور، فلسفه نظام تعلیم و تربیت را بر اساس هویت دینی و ملی تدوین کند و نظام آموزش و پرورش را بر مبنای آن تغییر دهد. اگر کشور و ملتی خواهان عزت مادی، سعادت معنوی، برتری سیاسی، پیشرفت علمی و آبادانی است، باید به آموزش و پرورش به عنوان کاری بنیادی توجه جدی کند زیرا نیروی انسانی لازم برای تحقق این اهداف والا، محصول نظام آموزش و پرورش است. پایه های نظام آموزش و پرورش در سال های پیش از انقلاب اسلامی بر اساس مبانی غیردینی و مغایر با هویت ملی شکل گرفته بود. آموزش و پرورش در آن دوره، ضددین، ترجمه ای و مبتنی بر باورهای غربی، تقلیدی و غیر منطبق با نیازهای اساسی کشور بود.“

پس از این مقدمه رهبر معظم انقلاب به مسئله ایجاد تحول در آموزش و پرورش اشاره فرموده اند.ایشان با اشاره به اقدامهای بسیار خوبی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در آموزش و پرورش انجام گرفته است، تأکید کردند: با وجود همه کارهای ارز شمنندی که برپایه مبانی اسلامی و ملی انجام شده، نظام آموزش و پرورش متحول نشده و پایه و اساس همان نظام قدیمی باقی است. حضرت آیت الله خامنه ای در خصوص نحوه انتخاب مدیران آموزش و پرورش نیز به نکات مهمی اشاره فرموده اند:

” در چنین آموزش و پرورشی که بهترین دوران عمر انسان ها در آن سپری می شود، باید افرادی شجاع، خوش خو، خیر خواه، امیدوار به آینده، بلند همت، دارای نگرش مثبت در قضاوت ها، خلاق، پرسشگر، اهل فکر و نوآوری، دارای جرات برای ورود به میدان های علمی ناشناخته، منضبط و قانون شناس تربیت شوند. آموزش و پرورش تحول یافته بر اساس مبانی دینی و هویت ملی، خانواده ها و صدا و سیما را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. مسئولان آموزش و پرورش باید با همت و تلاش خود، پایه و زمینه این تحول را فراهم کنند تا در مدت زمان مشخص چندین ساله، امکان ایجاد تحول بر اساس آن پایه به وجود آید.“

در نهایت اینکه ایجاد تحول در آموزش و پرورش امری کاملا ضروری محسوب می شود. ضرورتی که باید همه نهادهای قانون گذاری و اجرایی نسبت به آن توجهی کامل نمایند.

موثر تعریف نشده است. بازنگری در ساختار آموزش و

پرورش باید در راستای اهداف عالی چشم انداز ۲۰ ساله صورت پذیرد.بر این اساس باید زیرساختهای علمی و آموزش بومی را با نگاه به فرهنگ پویایی اسلامی و ایرانی تقویت نمود. تدوین نظام آموزشی کارآمد اسلامی همان مسئله ایست که بسیاری از کشورهای دنیا، خصوصا ملتهای مسلمان از جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند.هر چند نظامهای آموزشی سکولار با نظلهای مبتنی بر لائیسته سعی دارند نظامهای آموزشی مبتنی بر فرهنگ دینی و بومی را ناکارآمد جلوه دهند.اما تجربه نشان داده است هر گاه استعداد دانش آموزان کشور مان در مجرا و ساختاری مناسب تعریف گردیده و به فعلیت رسیده است.مانند لئو تو مقبتهای چشمگیری در عرصه بین المللی بوده ایم.پس کلیت تدوین ساختار آموزشی بر اساس دغدغه های تربیتی و دینی به صورت باقو هلمگاپنڈیر است و یلیدن آن رااستاد به شیوه های مناسب به فعلیت رساند.اتخاذ نگرش سیستمی در راستای اصلاح ساختار آموزش و پرورش بسیار مفید خواهد بود.رشد و تعالی آموزش و فرهنگی نیاز به بستر سازی دارد و این بستر سازی بدون اتخاذ رویکردی سیستمی که در آن جای اجزا و ارکان تعریف شده و مشخص باشد امکان پذیر نخواهد بود.فقدان نگرش سیستمی در آموزش و پرورش

رسالت

می تواند به اصلی ترین نقطه آسیب هر نظام آموزشی تبدیل گردد.به عبارت بهتر، بستر سازی فرهنگی و آموزشی خود عاملی مستقل نیست.بلکه تحقق آن معلول اتخاذ رویکرد ویژه ای نسبت به مقوله آموزش است.ماباید ایجاد سیستم و ساختاری پویا در آموزش و پرورش را در اولویتهای آموزش و تربیتی خود تعریف نماییم. عمیقاً معتقدیم که جمهوری اسلامی ایران به صورت بالقوه و بالفعل پرورش دهنده استعداد های زیادی بوده است و ان شاء الله در صورت ترسیم سیستمی جامع و پویا شاهد تقویت این روند خواهیم بود.اما آنچه در این مجال اهمیت دارد هدایت استعدادهای بالقوه در ذیل همان سیستم آموزشی و پرورشی کشور است. این هدایت بدون التفات به مولفه های فرهنگی و آموزشی (به صورت توامان نمی تواند تحقق یابد. هم اکنون استعدادهای پویای زیادی در کشور وجود دارد که هنوز به فعلیت نرسیده است.به فعلیت رسیدن این استعداها باید در قالب سیستمی جامع صورت پذیرد اگر نه رشد فردی استعداها، فارغ از هر گونه نگاه جمعی و سیستمی تبعات زیادی برای ساختار آموزشی مایه ذیبال خواهد داشت.پس طرح مباحث کلان مدیریتی در آموزش و پرورش، برهیز از هر گونه خود محوری در تصمیم گیریها آموزش و تربیتی باید به صورت جدی در

دستور کار دلسوزان نظام قرار گیرد. تغییر محوری کلیتی است که بروز آن در آموزش و پرورش به هیچ عنوان مذموم و نکو هیله نیست. بلون لحاظ تغییرات اساسی و بنیادین در سیستم آموزشی نمی توان باز خورد مناسبی از مجموعه دریافت نمود. این قاعده در آموزش و پرورش مانیز صادق است. دستگاه آموزش و پرورش به لحاظ پیر سنل و افراد زیر

در گفتگو با دکتر نفیسه فیاض بخش نماینده مجلس هفتم شورای اسلامی با رسالت مطرح شد؛

آموزش و پرورش انسان ساز است

اشاره:فقدان نگرش سیستمی در آموزش و پرورش و عدم اعمال مدیریت صحیح و مطلوب در این وزار تخانه سبب شده است بر حرحم مشکلات این وزار تخانه افزوده شود.این در حالیست که هیچکس منکر اهمیت نقش آموزش و پرورش در تربیت جوانان این مرز و بوم نیست. آنچه مسلم است اینکه تحول در آموزش و پرورش نیازمند ساختاری مدون و کارآمد، مدیریتی توانمند و از همه مهم تر فعالیت جمعی و به دور از هرگونه خودمحوری می باشد تا در سایه آن بتوان موجبات پویایی این وزار تخانه کلیدی و حساس را فراهم ساخت. در این خصوص گفتگویی با خانم دکتر نفیسه فیاض بخش نماینده مجلس هفتم شورای اسلامی انجام داده ایم که از نظر ثان می گذرد:



ضعف بزرگی است که باید بر طرف شود.به عبارت بهتر باید بوجه آموزش و پرورش به صورتی دقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در یک ساختار اصلاح شده تزریق شود تا ماهمه ساله مواجه با کسری بوجه نباشیم.

به لزوم اصلاح ساختار آموزش و پرورش اشاره کردید.دغدغه ای که سالهاست در این وزار تخانه وجود دارد و همچنان به قوت خود باقیست به نظر شما لازم اصلاح ساختار آموزش و پرورش چیست و باید از کدام نقطه این روند را آغاز نمود؟

اساسا اصلاح ساختار آموزش و پرورش بدون مطالعه و تحقیق امکان پذیر نیست. در این خصوص ما نیاز به مطالعات جدید و انجام تحقیقات پژوهشی و دانشگاهی داریم تا بتوانیم گامهای اولیه اصلاح ساختار فوق الذکر را بر داریم. در این خصوص بهتر است پروژه های پژوهشی را تعریف نماییم. پس اصلاح ساختار آموزشی به گونه ای نیست که یک مدیر بیابد و به تهلیلی بخواهد آن را اعمال نماید. پژوهش و تحقیق از اصلی ترین لوازم اصلاح ساختار آموزش و پرورش محسوب می شود.

در لا به لای سخنان خود به بحث تدوین کتب درسی بر اساس دغدغه های تربیتی اشاره نمودید.لطفا در این خصوص بیشتر صحبت کنید.

واقعبت امر این است که تحولات خوبی در راستای تدوین کتب درسی با دغدغه های تربیتی صورت گرفته اما این تحولات کافی نیست.دغدغه های تربیتی در آموزش و پرورش باید برنگر شود. ما معتمدیم

همه ساله کسری بوجه دارد و معمولا در اواخر سال دولت لایحه متمم بوجه را جهت جبران این کسری به مجلس شورای اسلامی تقدیم می کنید.این

آموزش و پرورش مسئولیت و وظیفه ای مهم به نام آسنان سازی را بر عهده دارد و همین مسئله این وزار تخانه را از دیگر متمایزی می کند

پس از پرداختن به امر پرورش باید مسائلو دغدغه های موجود در امر آموزش را نیز منظر قرار داد.اینکه متأسفانه خروجی ها و تولیدهای آموزش و پرورش نمی توانند متناسب با آموزشی که دیده اند و دروسی که گذرانده اند جذب بازار کار شوند.این عدم هماهنگی میان آموزش و پرورش و بازار کار معضل عمده ای است که برای حل آن باید چاره اندیشی نمود.

مسئله بعدی به علم اعمال مدیریت صحیح در توزیع بوجه به صورتی موشد متأسفانه به علت ساختار نادرست آموزش و پرورش، تزریق بوجه های عظیم و کلان به این مجموعه که تقریبا یک چهارم بوجه کل کشور را شامل می شود، مشکلات موجود را بر طرف نمی کند.برای اصلاح ساختار آموزش و پرورش باید از کارشناسان زبده و باتجربه کمک گرفت. در این خصوص لازم است کارشناسی دقیقی صورت گیرد و یک بر نامه بریزی صحیح و مناسب مشکلات را بر طرف نمود.ما شاهد هستیم که آموزش و پرورش

تقابل فرهنگ مهاجم و فرهنگ اصیل

فرهنگ مهاجم را مهار کنیم

محمد رضا کمالی

مهار فرهنگ مهاجم با توجه به تشدید هجمه های تبلیغاتی و فرهنگی غرب علیه مسلمانان از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. فرهنگ مهاجم ماهیت و هسته ای پلید دارد؛ ولی این هسته در قالبی ترین شده ظهور می یابد و خود را بر ملت های حامی فرهنگ اصیل عرضه می نماید. متأسفانه در بسیاری موارد این قالب تزئین شده هوش و حواس افراد را نسبت به خود جلب می نماید و سپس در چار چوب حرکتی خرنده به سوی هدف شوم خود حرکت می نماید. آنچه در این راستا مورد



معادلات آموزشی کشور به صورت خود کار سبب تقویت این روند خواهد شد. جایگزینی نگاه سلیقه محور بانگاهی مبتنی بر آینده نگری می تواند در احیای این ساختار بسیر موثر باشد. مسلما در این صورت شاهد به فعلیت رسیدن این احیا و جذب بیشتر و بهتر نتخبگان و استعدادها در کشور اسلامی خود خواهیم بود.

حسین سعادت

علائم ضد فرهنگی در جامعه غرب

ضد فرهنگ رایج در غرب هر روز خود را بیشتر در قالب رفتارها و نهادها هویدای می سازد. آثار یک نوعی ساختار آموزشی عاری از ارزشهای انسانی و اخلاقی در غرب و تداوم نگاه مکانیکی و انسانها سبب شده است تا علم و اخلاق نتوانند در یکدیگر ادغام شوند و در نهایت خشونت و ناهنجاریهای عمومی گریبانگیر کشورهای غربی شود. نمونه این خشونتها به وفور در غرب یافت می شود و هر روزه شاهد انتشار اخبار مربوط به قتل و جنایت و تجاوز در رسانه های غربی هستیم. در این میان صنعت فیلمسازی کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا نیز به طور مستقیم مروج خشونت می باشد.

قالبهای رئالیستی موجود در فیلمهای ساخت هالیوود که بسیاری از آنها به سفارش کمپانی های اسلحه سازی تهیه و توزیع می شوند به گونه ایست که « روان مخاطب را مورد آسیب مستقیم قرار می دهد. این آسیب مستقیم خود را در اشکال متفاوتی بروز می دهد. در این میان برخی افراد در ذهن و ضمیر خود با انواع خشونتها ایجاد ارتباط می نمایند. در افرادی که سابقه بیماریهای روحی یا فسر دگی شدید دارند، دامنه این خشونت القایی از حیطه ذهن فراتر رفته و خود را در عرصه اجتماع ظاهر می سازد. به عبارت دیگر فرد بیمار سعی می کند تا برای خشونتی که به ذهن وی القا شده است قرینه ای عینی یابد.

این قرینه تنها در خانواده و جامعه وجود دارد. این قاعده ای کلی است که می تواند هر فردی را تا میزانی مورد آسیب قرار دهد. البته محاسبه این میزان به عوامل متعددی بستگی دارد. اما از آنجا که نهاد خانواده در ایالات متحده آمریکا و غرب به شدت از هم گسیخته است، عواقب این خشونت بیمار گونه به صورت مستقیم سراز جامعه در می آورد. در این جاد دیگر کلیسا و دانشگاه و مدرسه و مراکز خرید و تجار ت اصالتی ندارند. بلکه خشونت حاصل شده از منشاء مجازی (فیلمهای خشونت زا) به اندازه ایست که « همه را قربانی خود می کند. کنده جالب توجه اینکه بستر موجود در ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای غربی نیز به صورت ذاتی توجه کننده جنائاتی است که در درون آنها صورت می گیرد. دینیک «ترو ریمس واقعی» در آمریکا خود را در دانشگاه ها، کلیساه، مدارس و خیابانها نیز زاده است. مسلما و خشنی که از این نوع ترو ریمس منتج می شود نیز واقعی و دامنه دار است. مردم آمریکا هر یک به اندازه ای تحت تأثیر خشونت موجود در فیلمها و تبلیغات آمریکایی قرار گرفته اند. البته این میزان با توجه به استعدادهای روحی و روانی افراد متفاوت است. ولی نمی توان ادعا نمود که حتی درصد کمی از مردم آمریکا از عواقب و تبعات این وحشت فرآگیر مصون مانده باشند. در هر حال غرب نتوانسته است در برابر گسترش خشونت و فساد مقاومت نماید و این روند همچنان ادامه دار.

نکنه دیگر اینکه سیاستمداران آمریکایی نیز به طور مستقیم خشونت را به جامعه خود تزریق میکنند. مسلما مقامات آمریکایی نمی توانند حوادث ویر جینیا، کارولینای شمالی، نیویورک، کالیفرنیا و... را به عوامل القاعده و طالبان نسبت دهند. اما این حوادث مذکور غیر از فاصله جغرافیایی فاصله دیدگری وجود ندارد. به نظر می رسد «خشونت» در داخل آمریکا تبدیل به «جزئی درونی» در کلیه مناسبات مذهبی، علمی، اجتماعی و اقتصادی شده است. هر چند که شبکه های تلویزیونی و رسانه های آمریکایی سعی دارند بر وی این واقعیت سرپوش بگذارند. اما خروجی های این خشونت کنترل نشده خود را به عنوانین مختلف بروز می دهد. طی سالهای اخیر خشونت در آمریکا به علل مختلفی افزایش یافته است. در دور قبلی ریاست جمهوری ایالات متحده، حضور فردی افراطی از ایالت تگزاس در راس معادلات سیاسی کاخ سفید، بروز جنگ افغانستان و عراق، حضور فعال کارخانه های اسلحه سازی در سیستم تسلیحاتی و شاتکن و تقویت لابی های صهیونیسم بین الملل موجب شد تا چهره سیاسی و اجتماعی آمریکا به چهره ای خشن و غیر قابل انعطاف تبدیل شود. او یاما نیز با عدم ایستادگی در برابر شکنجه های گوانتانامو و سایر شکنجه گاههای آمریکاعملا شده این رسد «خشونت» در داخل آمریکا تبدیل به «جزئی درونی» در کلیه مناسبات مذهبی، علمی، اجتماعی و اقتصادی شده است. هر چند که شبکه های تلویزیونی و

عمومی و نسل جوان عرضه می نماید؛ اما حقیقت امر این است که فرهنگ مهاجم و فرهنگ اصیل با یکدیگر جمع پذیر نیستند. این خصلت جمع ناپذیری میان فرهنگ ها موجب می شود تا فرهنگ مهاجم از ابتدا با هدف نابودی فرهنگ اصیل وارد جامعه شود. پس فرهنگ مهاجم به نسل جوان یک جامعه فرصت انتخاب و امکان تعقل در خصوص فرهنگ اصیل و غنی را نمی دهد. بلکه با عقب مانده و غلط جلوه دادن فرهنگ غنی و اصیل سعی دارد خود را به عنوان جایگزین برای این فرهنگ در جامعه نماینده سازد. از این رو ست که عدم مقابله با فرهنگ مهاجم ضربه های سنگینی را بر بستر جامعه وارد می سازد. پس باید در راستای مقابله با فرهنگ مهاجم از همه توانائی ها و ابزارها استفاده نمود.